

دو پیام در این راهپیمایی‌های بیست و دوّم بهمن وجود داشته است: یکی پیام استقامت، یکی پیام وحدت.

۱۳۹۲/۱۱/۲۸



جامعه‌ی اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۳

## آغاز ۸۸ جدید

تخریب شورای نگهبان

میوه مسموم فتنه



تنفس دموکراسی و آزادی در فضای جامعه نیازمند تدوین و تضمین قانون اساسی است، چرا که قوانین نوشته شده برای هر کشور نقشه راه احقاق حق و دوری از بی‌انضباطی است. بنابراین در تمامی کشورهایی که ادعای لیبرالیسم دارند قانون اساسی به عنوان حافظ منافع جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است، اما این نگهبان قانونی، در انجا و اشکال مختلف نمایان می‌شود، بعنوان مثال «دیوان عالی عدالت» در فرانسه، «دادگاه قانون اساسی» در آلمان، «مجلس نمایندگان» و «سنا» در آمریکا، «مجلس عوام» در انگلستان و در ایران نیز طبق «اصل ۹۱» به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی، شورای نگهبان صیانت از قانون اساسی را بر عهده دارد.

موضوع این گزارش، نظارت استصوابی است که در سال‌های اخیر به دلیل عدم تایید صلاحیت برخی نامزدهای انتخاباتی شورای نگهبان را هدف تیرهای شبهات کرده است.

نظارت استصوابی عمل به بخشی از قانون است که در تمامی کشورها از سوی برگزار کنندگان انتخابات صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در فرانسه، «شورای قانون اساسی» نظارت بر صحت انتخابات، رسیدگی به اعتراض‌ها و اعلام نتایج انتخابات را بر عهده دارد. بنابراین این نظارت در برگزیده تمام مراحل انتخابات از ابتدا تا انتها است.

در آمریکا نیز «دیوان عالی آمریکا» عالیترین نهاد قضایی این کشور است که شامل ۹ قاضی مادام العمر است که به همراه مجلس سنا به تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و تایید صلاحیت انتخابات می‌پردازند.

دادگاه قانون اساسی در کشور آلمان هم رسیدگی به صحت انتخابات و همچنین تایید نامزدها و حتی سلب مصونیت آن‌ها را با ۲۴ عضو بر عهده دارد.

با این اوصاف و با ویژگی فرانتاجی که در شورای نگهبان حاکم است، باید گفت که در تایید یا عدم تایید افراد، سلیقه، غرایض شخصی و جناحی ملاک نیست؛ بلکه صافی افراد «اصل ۱۱۵» قانون اساسی است که بر طبق آن رجال سیاسی و مذهبی برای تایید صلاحیت باید شرایطی را دارا باشند. ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و دبیر، دارای حسن سابقه، امانتدار و با تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشند. لذا اعتراض بر جایگاه نهاد شورای نگهبان را می‌توان بهانه‌ای برای قانون گریزی تعریف کرد.

چرا که شورای نگهبان حلقه وصل مردم سالاری و بنیه دینی کشور است، مردم سالاری از این نگاه که پاسداشت قانون اساسی را که مهر تایید آن با آرای عمومی زده شده از وظایف خطیر شورای نگهبان است و بنیه دینی از آن جهت که افرادی را وارد گردونه انتخابات می‌کند که به مبانی جمهوری اسلامی معتقد و وفادار باشند. حال چگونه افراد و رجال سیاسی می‌توانند این حق را از شورای نگهبان بگیرند، در حالیکه فرد اصیل برای ورود به سپهر سیاسی کشور کسی است که مصالح نظام را مد نظر قرار دهد.

متأسفانه این روزها با نزدیک شدن به انتخابات مجلس در برخی همایش‌ها شاهدیم که برخی بار دیگر شاه بیت سخنانشان را با زیر سوال بردن وظیفه قانونی شورای نگهبان قرار می‌دهند، در همین راستا منتج‌بنیا قائم مقام حزب اعتماد ملی در سخنانی از رئیس مجمع تشخیص مصلحت درخواست می‌کند تا تکلیف «نظارت استصوابی» شورای نگهبان را مشخص کند و در جای دیگر محسن رحمانی دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها نیز در سخنانی کنایه آمیز بار دیگر به عملکرد شورای نگهبان شبهه وارد کرده و این نهاد قانونی را به غربالگری رای مردم متهم می‌کند و ادعان می‌کند که غربالگری کار مردم است، نه آنکه تهمانده غربال‌ها به مردم معرفی شوند. در جای دیگر صادق خرازی عضو شورای مرکزی موقت حزب تازه تاسیس ندا در جمع خبرنگاران عنوان می‌کند که اگر شورای نگهبان انصاف به خرج دهد! حتماً اصلاحات برنده انتخابات آینده است و اینگونه تلویحاً با قضایای زودتر از موعد سعی در زیر سوال بردن شورای قانونی نگهبان دارد. از آنجا که همواره ریشه‌های فتنه را باید در فضای قبل از انتخابات جستجو کرد، بی‌تردید زیر سوال بردن عملکرد شورای نگهبان را می‌توان رویارویی با قانون و بافشاری مطرح کنندگان آن بر مواضع سال ۸۸ عنوان کرد. لذا پروژه فتنه‌انگیز تشکیک آفرینی در سلامت انتخابات و شورای نگهبان امری قابل توجه است که جریان معارض آن را با هدف بی‌اعتبار کردن قانون اساسی پیگیری می‌کند.

به بهانه ی ۳۶ امین دهه ی فجر

# انحراف



و بر همین اساس است که علی(ع) می‌فرماید: «از حقوق حاکمان بر مردم نقد کردن حاکمان است...»

پس اگر دیدید کسی با برجسب زدن بر منتقدانش و بی سواد خواندنشان، از حرف زدنشان عصبانی شد؛ بدانید در مقابل این بخش از دین ایستاده است.

۲- «انسان معمولاً خودش را در مقابل هنرمند کوچک احساس می‌کند. من خودم وقتی هنرمندان را نگاه می‌کنم، می‌بینم که جایگاه رفیعی در مقابل دارند؛ اما آن هنرمندانی که هنرشان در خدمت بیگانگان است، هرچند هنرشان هم بالاست و بعضیشان از لحاظ هنری بسیار برجسته اند، ولی من در هنری که آنها دارند، ارزی حس نمی‌کنم ... امام خامنه ای (ادام الله ظله الوارف) ... اسلام دسته ای از امور را ذیل عنوان معروف می برد و به آنها امر می کند و دسته ی دیگری از امور را ذیل عنوان منکر می برد و از آنها نهی می کند و از همین جاست که اگر هنرمندی هنرش را در خدمت اشاعه ی معارف قرار داد ارزشمند است و اگر هنرمندانه به گسترش منکر در جامعه پرداخت غیر ارزشی است. پس اگر دیدید کسی میان هنرمندان ارزشمند و غیر ارزشمند تفاوتی قائل نشد و بازیگر فیلم های پورنو و بازیگر فیلم دفاع مقدس را هم سنگ پنداشت؛ بدانید فهمش از دین در حد یک سرهنگ آمریکایی ست. ۳- اشدا علی الکفار ... اگر کسی جز این کرد به او یادآور شوید که ۲۵۰۰۰۰ نفر با خون دانشان چنین کردند؛ به حکم مکتب و به حرمت خون همان ها ... بگذریم ...

۴- رژیم صهیونیستی باید از صحنه ی روزگار محو شود ... همین! اگر کسی جز همین را گفت چنان بر دهاش بگویند تا ندانان هایش بریزد توی معده اش تا از این پس جرات شوخی کردن با آرمان بحر تا نهر هم رزمان مظلوم فلسطینیان، به سرش نزنند. ۵- من یک تار موی شما کوخ نشینان را ... اگر کسی کوخ نشینان ( بخوانید عزیز کرده های خمینی) را با برجسب زدن، یا به بهانه ی رائنده تاکسی بودن یا لبو فروش بودن خواست خفه کند؛ کرواتش (البته اگر کروات داشت) را دور گردنش ببیچید و تا وقتی نگفته غلط کردم رهاش نکنید. ۶- «ظریف ... این مورد را هر جور دوست دارید ادامه دهید ... اگر در کسی این ۶ مورد که گفتیم و آن بسیار مواردی که می داینم و نگفتم را دیدید خطر انحراف انقلاب را حس کنید! که شهید پیچک فرمود:» ... خدا کند که حکومت سرتگون گردد، اما منحرف نگرده، چون انحراف، خیانت به خون شهداست. بگذارید بگویند حکومت دیگری هم به جز حکومت علی(ع) بود به نام خمینی که با هیچ ناحقی نساخت تا سرتگون شد، ما از سرتگونی نمی هراسیم بلکه از انحراف می ترسیم ...» پهن : رای آوردن، مصونیت نمی آورد؛ مسئولیت می آورد برادرم. در جمهورییت و یا به تعبیر شما دموکراسی(نه فقط در اینجا که در همه جا) کسی که رای می آورد؛ مسئول نوکری همه ی مردم است؛ نه فقط آنها که به او رای داده اند.

یک حکومت انقلابی به طور کلی مجبور است به دو دسته از نگرانی‌ها فکر کند:

۱- سرشاخ شدن یا دشمن برون مرزی و مصاف فیزیکی با دشمن خارجی که دشمنینش را پنهان نمی‌کند. در این حالت اصلی ترین و مهم ترین کاری که نیروهای خودی باید انجام دهند مقابله است.

۲- مصاف با دشمن داخلی که عموماً دشمنی او را با اکتفا به مشخصه های ظاهریش نمی‌توان تشخیص داد.

به نظر شما کدام یک از این دو خطر بزرگتر است؟

جنگ با دشمن خارجی همواره یک جنگ فیزیکی و سخت افزاری است و لذاست که صدمات نیز عموماً سخت افزاری و فیزیکی خواهند بود. در این حالت بدترین صدمه ای که ممکن است وارد شود سرتگونی حکومت است. اما در حالت دوم کار نبروهای خودی از جنگ با دشمن آغاز نمی‌شود! از شناخت دشمن آغاز می‌شود و دیگر صدمات به خسارات سخت افزاری محدود نخواهد شد و اتفاقاً دیگر هیچگاه خطر سرتگونی حکومت حس نمی‌شود. چرا که اصولاً دشمن در پی سرتگون کردن حکومت نیست؛ یعنی در صورتی که دیده بان‌ها شام سنگین بخورند و خواب بمانند و یا اگر پیاده نظام در تشخیص دشمن دچار اشتباه شود و به مواضع خودی یورش ببرد؛ دیگر حکومت سرتگون نخواهد شد ... حکومت استحاله خواهد شد!

در صورتی که حکومت سرتگون شود انقلابیون چند سال یا چند دهه سال بعد می‌توانند با ترمیم خسارات سخت افزاری و بازیابی نیرو به بازپس گیری قدرت اقدام نمایند. اما اگر نظام استحاله شود؛ دیگر هیچگاه قدرت به نفع اهداف پیشین انقلاب به کار گرفته نخواهد شد. چرا که اساساً سخت افزارها آسیب ندیده اند که هیچ شاید پیشرفته تر هم شده باشند اما انقلابیون و اهداف انقلاب تغییر یافته است و از استحاله به بعد انقلابیون با همان ابزار و ادواتی که تا پیش از استحاله به سمت اهداف انقلاب می‌رفتند به جان اهداف انقلاب خواهند افتاد.

و اما بعد د د د د (فضا بسته بود، صدایم پیچید ...) ... انصاف دهید که با این فضا، بی سوادمان خواهند خوانند و قلممان را خواهند شکست و دهان هایمان را گل اندود خواهند کرد اگر صراحتاً بگوییم فلان آقا یا فلان جریان در پی استحاله انقلاب است؛ فلذاً به اشاراتی اکتفا خواهیم کرد و خواهیم گذشت. باشد که ما باشیم و شما باشید و بیشتر بگویید. ۱- در اسلام آزادی بیان نداریم! یعنی کسی آزاد نیست که بیان کند یا نکند. همه مجبورند به حکم دین که بیان کنند. هرکس به اندازه ی آنچه می‌بیند و می‌داند مجبور به گفتن است. اسلام صرفی از گفتن هاست؛ نه آموزه ای برای نگفتن ها ... گلگم راع، و گلگم مسؤل ... اخذ الله علی العالمین ان لا یقاروا...

## آیا امام گفت: "آب و برق مجانی می شود"؟!



مطرح شدن و پرداختن صریح و بی تعارف به شبهات انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، نه تنها امری پیراسته از عیب است، بلکه تکلیفی ضروری و لازم برای آگاهان و دوست داران انقلاب است. و البته بی پاسخ گذاشتن این شبهات و میدان را برای مخالفین و نا آگاهان خالی نمودن عیب و کم فہمی است. در پاسخ به شبهات هم باید بی تعارف بود و صریح، چرا که پاسخ دادن های آیکی و تمارفی نه تنها شبهه را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است بر حجم شبهه هم بیفزاید!

یکی از شبهات مطرح راجع به انقلاب و امام راحل (ره)، عدم تحقق وعده امام راحل مبنی بر "مجانی کردن آب و برق"، به مردم است.

ادعا می‌شود که امام، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در بهشت زهرا سلام الله علیها به مردم وعده داد که به شما آب و برق مجانی می‌دهیم و به این وسیله و با وعده های غیر واقعی درصد فریب و همراه نمودن مردم بر آمدند. امری که با سیره امام (ره) اصلاً قابل جمع نمی‌باشد و این مسأله برای دوست داران و یاران امام، امری بسیار ناراحت کننده و سؤال برانگیز است. عده ای از منتقدین نیز معتقد هستند اصلاً اصل چنین وعده ای از لحاظ کارشناسی صحیح نیست و همان بهتر که محقق نشد. چرا باید توزیع انرژی رایگان باشد؟ آنهم برای مردم ما که این قدر در مصرف بی رویه کارنامه غیر قابل قبولی دارند! و معتقدند اصل وعده مذکور یک وعده غیر کارشناسی و ناپخته می‌باشد.

اما چند نکته در پاسخ به این مسأله:

۱) به ادعای منتقدین و مخالفین، این سخنان پس از پیروزی نهضت است. شاه فرار کرده است، امام با استقبال بی نظیر و عاشقانۀ میلیون ها نفر، پس از سال ها تبعید به ایران آمده است. مردم چنان شوق و شوری به امام دارند که از مهرآباد تا بهشت زهرا به دنبال ماشین امام می‌دوند، با قطع پیش تلوزیونی سخنرانی امام، در بسیاری از شهرها مردم از عصبانیت تلوزیون ها را می‌شکنند و به خیابان می‌ریزند. رژیم شاه و دولت مقوی بختیار، در حال غرق شدن دست و پا می‌زند و هرگز امیدی به موفقیت رژیم گذشته نیست.

ادامه صفحه ۲

## با حکم رحیمی نفس خاندان هاشمی در سینه حبس شد



تفاوت بارز اصولگرایان با اصلاح طلبان در یک چیز نهفته است و آن عدالت و حق محوری است یعنی درست همان کیمیای نایاب در سید جریان اصلاحات و کارگزاران، و حال با قطعی شدن حکم محمدرضا رحیمی میزان عدالت‌محوری و حقمحوری اصولگرایان به تثبیت رسیده است و مانده تا با اعلام و اجرای حکم متهمانی چون مهدی هاشمی جریان هاشمی و اصلاحات نیز از آزمون خود سربلند بیرون آیند.

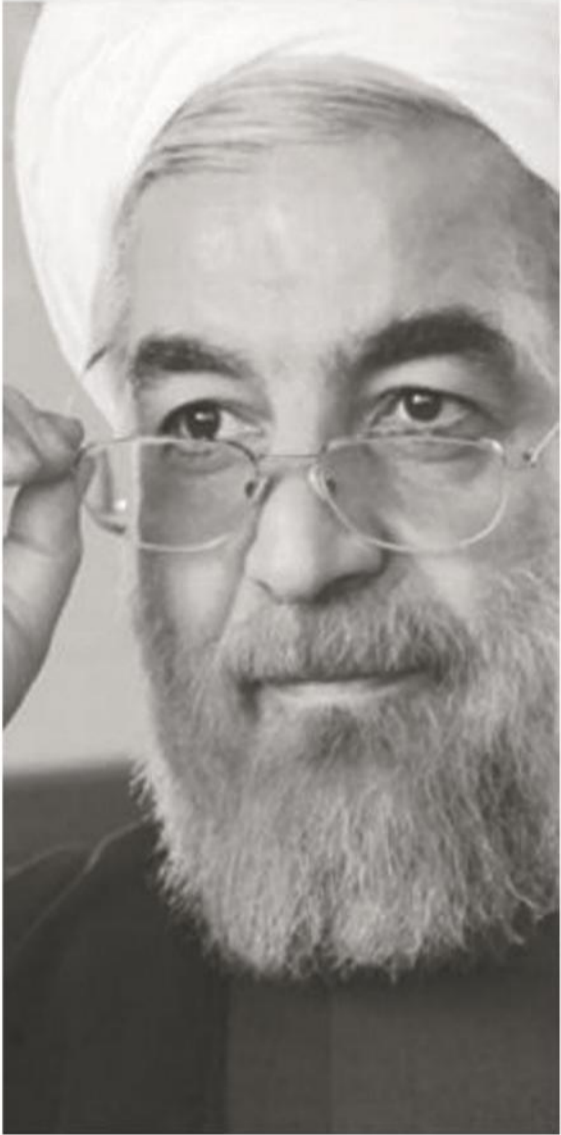
علامه مصباح یزدی و سایر بزرگان اصولگرایی در مقطعی از دولت احمدی نژاد حمایت ویژه و بجایی می‌کنند و تا جایی که این دولت در مسیر انقلاب و خدمت رسانی به مردم شبانه روز فعالیت می‌کرد، حمایت حضرت علامه و همه اصولگرایان از دولت و شخص دکتر احمدی نژاد ادامه داشت اما زمانی که برخی افراد مشکوک در بدنه دولت نفوذ می‌کنند و حرکت قطار خدمت رسانی دولت را کمی متزلزل می‌کنند، اولین کسانی که به دکتر احمدی نژاد انتقادات و ناراضیاتی خود را اعلام می‌کنند باز همین بزرگان اصولگرایی هستند تا اثبات کنند ملاک حمایت و انتقاد آنها از یک شخص یا مجموعه تنها عدالت و حق می‌باشد اما این مبنای واضح دینی و عقلی در جریان اصلاحات هیچ جایگاهی و ارزشی ندارد و آنها از همه نیروهای خود تا آخر حمایت می‌کنند حتی اگر یکی از اعضایشان در مقابل رای مردم و اصل نظام بایستاد بازهم از حمایت اصلاح طلبان برخوردار است. آنها حتی هیچ اشکالی در فساد امثال شهرام جزایری و موسوی و کروبی و خاتمی و فتنه گرانی چون م.ه.نمی‌بینند بنابراین تا ابد از آنها حمایت می‌کنند و حاضر به اعلام برائت و حتی انتقادی ساده از آنها نمی‌باشند. مشکل آقای هاشمی رفسنجانی هم دقیقاً در گام اول است که وی از برخی نزدیکان متهم خود همواره حمایت کرده است و آنها را به نوعی خط قرمز خود معرفی کرده است.

ادامه صفحه ۲





# تمدید مذاکرات، تعلیق اقتصاد



بحث پرونده هسته ای ایران که یکی از چالش های ایران و غرب است از سال ۸۲ آغاز شد. اینکه چه اتفاقاتی در دو سال پایانی دولت اصلاحات و پس از آن رخ می دهد پرونده جداگانه ای می طلبد.

دکتر حسن روحانی در ایام تبلیغات ریاست جمهوری ۹۲ جمله ای تاریخی!!! بیان کرد: «چرخیدن سانتریفیوژها بسیار خوب اما به شرط آنکه چرخ تمام کارخانه ها و اقتصاد نیز بچرخد.» وی در همان دوران، ضعف اقتصاد را به مسئله هسته ای و تحریم ها ربط داد و راه برون رفت از مشکلات را تامل با دنیا و تنش زدایی معرفی کرد. او با خوشبینی به رفع تحریم ها وعده حل شدن ۱۰۰ روزه مشکلات اقتصادی را به مردم داد. پس از استقرار کابینه، دولت تمام تمرکز خود را برای عملی شدن این وعده به کار گرفت تا جایی که با شور و شوق فراوان تیم مذاکره کننده هسته ای را به پای میز مذاکره فرستاد و با ضرب الاجلی که تعیین کرده بود مذاکره کنندگان در ساعات اولیه ۳ آذر (۱۰۰امین روز استقرار دولت) خبر توافق را اعلام کردند و جناب رئیس جمهور و رسانه های حامی با شغف فراوان خبر این پیروزی بزرگ!!! را به جامعه پمپاژ کردند. دکتر روحانی و برخی از روزنامه ها که از این توافق در پوست خود نمی گنجیدند از همان روز و پس از آن تدبیر، امیدهای زیادی را به مردم انتقالی می دادند. اما این خوشبینی ها باعث شده بود که دولت اقتصاد را به حالت تعلیق درآورد تا شاید تدبیر ژنو به فریاد اقتصاد برسد. از نشانه های تعلیق اقتصاد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- خوشبینی در دیپلماسی نفتی و کسری بودجه سال ۹۳؛ دولت آذماه سال گذشته که لایحه بودجه ۱۳۹۳ را به مجلس ارائه کرد، قیمت هر بشکه نفت صادراتی کشور را ۱۰۰ دلار مدنظر قرار داده بود که همان زمان، کارشناسان نسبت به خوش بینانه بودن این رقم به دولت هشدار دادند اما دولتی ها از این رقم دفاع می کردند. همچنین با خوشبینی نسبت به توافق ژنو و رفع تحریم نفت تعداد فروش بشکه روزانه ۳/۸ میلیون بشکه در روز تخمین زده شد که متاسفانه هر دو تدبیر دولت تدبیر در سال ۹۳ نقش بر آب شد و باعث کسری بودجه ۳۰ درصدی و کاهش امید شد.

۲- بی برنامهگی در دخل و خرج دولت و افزایش هزینه ها با توجه به آمار رسمی بانک مرکزی: بر اساس آمار اعلامی بانک مرکزی، هزینه های جاری دولت در ۶ ماه نخست اسمال از ۶۸ هزار میلیارد تومان هم عبور کرد که نسبت به رقم مدت مشابه سال قبل رشد حدودا ۳۳ /۷ درصدی نشان می دهد. با رشد ۳/۷ درصدی هزینه های جاری دولت در نیمه اول سال ۱۳۹۳، می توان گفت دولت روحانی اکثر رکوردهای دولت احمدی نژاد را جا بجا کرده است. بر اساس آمار بانک مرکزی، میانگین رشد هزینه های جاری ۸ سال دولت احمدی نژاد حدودا ۳۲/۱۸درصد بود. (دکتر حسن روحانی از منتقدان رشد هزینه های جاری در دولت قبلی بود).

۳- افزایش بی سابقه نقدینگی در سال ۹۳: بر اساس آمار بانک مرکزی،

حجم نقدینگی از انتهای مردادماه سال گذشته تا انتهای خرداد سال جاری بیش از ۱۲۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. طبق این آمار، حجم نقدینگی در انتهای مردادماه سال گذشته ۴۹۱ هزار و ۸۲۴ میلیارد تومان بود که طی یک دوره ۱۰ ماهه یعنی تا انتهای خردادماه اسمال با رشد بی سابقه به ۶۱۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. رشد ۱۲۶ هزار میلیارد تومانی نقدینگی در ۱۰ ماه اخیر معادل میزان افزایش نقدینگی در طول ۴ سال دولت نهم است. گفتنی است دولت سابق به علت رشد شدید نقدینگی همواره مورد انتقاد کارشناسان و سیاسیون بوده است.

۴- افزایش واردات و کاهش صادرات غیر نفتی طبق آمار رسمی گمرک: طی ۶ماه نخست اسمال واردات از کشور چین به ۹ /۵ میلیارد دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۶۱ درصد رشد نشان می‌دهد. از لحاظ وزنی نیز واردات از کشور چین در نیمه نخست اسمال ۵۳ درصد افزایش یافته است. طبق آمار گمرک، چینی‌ها بیش از یک پنجم کل واردات ایران در نیمه نخست اسمال را از لحاظ ارزش دلاری به خود اختصاص داده‌اند. دکتر روحانی در گزارش ۱۰۰ روز اول دولت یازدهم با طعنه به عملکرد دولت سابق در افزایش واردات از کشور چین گفته بود در هشت سال گذشته اشتغالزایی شد اما برای کارگران چینی!

۵- بزرگترین رکود در بازار بورس طی چند سال گذشته: در بورس اوراق بهادار تهران، شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران با ثبت رکورد بیشترین افت در سال ۹۳ به کانال ۷۴ هزار واحد بازگشتهکه طی چند سال اخیر رکود بی سابقه ای بوده است.

۶- بی توجهی به اقتصاد مقاومتی و واردات بی رویه کالاهای لوکس در زمان کمبود ارز: در پنج ماه نخست اسمال، بیش از ۸۰۰ میلیون دلار صرف واردات خودروهای خارجی به کشور شده و به دومین کالای عمده وارداتی کشورمان تبدیل شد که این آمار نسبت به مدت مشابه سال قبل، سه برابر شده است. رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، با تاکید بر اینکه موضوع واردات، فقط از طریق تعرفه حل نخواهد شد،تاکید کرده بودند: دولت باید درخصوص واردات کالاهای غیر ضروری و تجملی سخت‌گیری بیشتری انجام دهد و اِعمال قدرت کند.

۷- افزایش قیمت مسکن و بی توجهی به آن: مرکز آمار از افزایش ۲۲ درصدی قیمت خرید و فروش و اجاره مسکن در یک سال اخیر خبر داد؛ این در حالی است که مسئولان بخش مسکن بارها از کاهش قیمت ها در این مدت خبر داده بودند. مسئولان دولت یازدهم با انتقادات گسترده از طرح دولت سابق برای بخش مسکن کشور (مسکن مهر) آن را مسکن اختلال در اقتصاد کشور معرفی کردند و وعده دادند طرحی را جایگزین مسکن مهر خواهند کرد که معایب آن را نداشته باشد. اجرای مسکن مهر بنا به گفته دولتی‌ها بار سنگین تورمی به دنبال داشته از این رو دولت یازدهم بعد از تکمیل و تحویل واحدهای باقی مانده مسکن مهر برنامه ای برای ادامه این نوع مسکن ندارد و

طرح جدیدی رو خواهد کرد. عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی کابینه روحانی، نام طرح دولت یازدهم برای بخش مسکن را «مسکن اجتماعی» عنوان کرد. در طول یک سال و چند ماه اخیر، وزیر راه و شهرسازی بارها از مسکن اجتماعی سخن گفته است؛ اما هنوز طرح مکتوبی از آن منتشر نشده، چه برسد به این که انتظار اجرایی شدن طرح جایگزین مسکن مهر را داشته باشیم. فعلا که بیش از ۱۵ ماه از شروع به کار وزیر راه و شهرسازی در دولت یازدهم می‌گذرد، اما به غیر از افزایش وام خرید مسکن، طرح خاصی برای حل مشکل مسکن مردم ارائه نشده و مسکن مهر نیز با بی‌مهری دولت مواجه شده است.

۸- افزایش قیمت مواد غذایی: مرکز آمار با انتشار گزارش شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در سال ۱۳۹۲ از افزایش ۴۴ درصدی قیمت مواد غذایی در سال گذشته خبر داد. این امر در حالی اتفاق می افتد که آمارهای دولت نرخ تورم را نزدیک ۱۸ درصد اعلام میکنند!

۹- جلوگیری از کاهش قیمت دلار و حتی افزایش آن: در نخستین روزهای تیرماه سال ۹۲ و پس از انتخابات ریاست جمهوری قیمت دلار تا حدی کاهش یافت به گونه ای که رسانه های زنجیره ای از آن به عنوان آغاز شکوفایی اقتصادی یاد کردند اما افکار عمومی هنوز اظهارات آقای سیف درباره نرخ دلار را به یاد دارد، زمانی که نرخ دلار در حال سقوط به زیر ۳۰۰۰ تومان بود اما وی با حضور در برابر دوربین رسانه ها اعلام داشت سقوط قیمت دلار به کمتر از این میزان دیگر منطقی نیست! و همین جمله وی باعث توقف و حتی بالاتر رفتن نرخ دلار در آن برهه گشت. حتی در این مدت پس از مذاکرات وین نیز دلار تا مرز ۳۵۵۰ تومان رسید ولی هیچ کدام از این رسانه های زرد واکنشی نشان نداند.

اینها نمونه ای از فضای معلق اقتصاد تا قبل از مذاکرات وین بود. بی برنامهگی و بی تحرکی دولت در اقتصاد گاهی اوقات آنقدر مشهود بوده که حتی صدای حامیان دولت نیز بلند می شد. تا مدت ها که مردم از زبان مسئولان فقط گله و شکایت از دولت قبل را می دیدند ولی هیچ برنامه خاصی از طرف آن ها نمی دیدند. این بی برنامهگی حتی خود رئیس جمهور را نیز به تناقض گویی انداخت. روحانی در سفر استانی به مشهد مقدس در حرم رضوی می گوید که ما از رکود عبور کردیم ولی در سفر اخیر خود در گلستان اشاره می کند که باید در این کشور توسعه را به وجود آوریم و از رکود عبور کنیم که اولین قدمها برداشته شده است. حال اینکه پس از توافق ژنو ۱۰۰ تحریم جدید علیه ایران اعمال شده خود نیز بحث مفصلی می طلبد. پس از تمدید توافق ژنو در وین دوباره مشاهده کردیم که جناب رئیس جمهور پس از نزدیک به ۱۸ ماه هنوز امیدهای واهی به مردم می دهد دوباره مردم و جامعه را تا ۷ ماه دیگر تعلیق می کند تا شاید فرجی حاصل شود. غلط بودن این آدرس که «چرخ زندگی مردم به چرخش سانتریفیوژها بسته است» به خوبی در این یکسال به اثبات رسیده است

## ادامه با حکم رحیمی نفس خاندان هاشمی در سینه حبس شد

حال بعد از پیگیری اصولگرایان برای محاکمه محمدرضا رحیمی که اگرچه برخی او را نفوذی جریان هاشمی در دولت دکتر احمدی نژاد معرفی می کنند اما به هر حال در یک دولت اصولگرا دارای منصب بوده است و این پیگیری اصولگرایان برای محاکمه وی حقیقت جریان اصولگرایی را بیش از گذشته قوت می بخشد هرچند در بازه زمانی کوتاهی عده ای از افراطیون اصلاح طلب از حکم صادره برای این هدیه جریان هاشمی به اصولگرایان برای تخریب جریان ارزشی کشور سوء استفاده کنند اما عاقلان و مردم ایران با این حکم و پیگیری جریان اصولگرایی برای محاکمه رحیمی همه چیز بدستشان آمده است که اصولگرایان در مبارزه با فساد و اجرای عدالت با هیچ شخص و گروهی مسامحه نخواهند کرد حتی اگر فردی به ظاهر



از برند اصولگرایی برای مقاصد خود بهره بجوید. حال با حکمی که پیگیری نمایندگان اصولگرای مجلس و اقدام مقتدرانه دستگاه قضا آنرا به سرانجام رساند، نفس در سینه خاندان هاشمی رفسنجانی حبس شده است که وقتی اصولگرایان در اجرای عدالت، شخص دوم دستگاه اجرایی یک دولت اصولگرا را به میز محاکمه و اجرای حکم می کشانند آیا از کنار پرونده قطور مهدی هاشمی براجتی خواهند گذشت؟ ترس خانواده هاشمی از این است که حکم مهدی هاشمی به زندان ختم نشود و کلیدواژه‌های چون "اعدام" در حکم وی رویت شود آنگاه اگر این حکم قرار به اجرا باشد، چه باید کرد با قاطعیت و پیگیری دستگاه قضا و اصولگرایانی که حتی از کنار شخص دوم دستگاه اجرایی یک دولت اصولگرایی نگذشتند و حاضر به تسامح نشدند؟

قطعا دستگاه قضا با محاکمه شخص دوم دولت دهم اثبات کرده است که قصد تسامح با هیچ شخص و جریانی را ندارد و آنقدر اقتدار دارد که همه مفسدان، متخلفان و معاندان را در همین دنیا به سزای بخشی از اعمالشان برساند. با این حساب قطعا نفس در سینه جریان هاشمی رفسنجانی حبس شده است که سرانجام پرونده مهدی هاشمی چه خواهد شد؟ آیا وی همچون محمدرضا رحیمی تنها محکوم به زندان و جریمه خواهد شد یا چوبه دار هم بخشی از مجازات وی خواهد بود یا اساسا بنابر تشخیص قاضی تبرئه خواهد شد؟ اگر حکم وی اعدام باشد آیا آقای هاشمی رفسنجانی و جریان وی زیر بار این حکم خواهند رفت یا همچون انتخابات ۸۸ حاضر نیستند به قانون احترام بگذارند و با نامه های تهدیدآمیز به مقامات ارشد نظام سعی در زیر بار این حکم نرفتن می کنند؟

گفتنی است؛ برخی از کارشناسان بر این عقیده اند پرونده مهدی هاشمی از پرونده محمدرضا رحیمی بسیار قطورتر و سنگینتر می باشد به گونه ای که این دو پرونده به هیچ وجه قابل مقایسه با هم نخواهد بود و به عقیده آنها مهدی هاشمی باید خود را برای مجازاتی بسیار سنگین آماده کند اما با همه این اوصاف تنها و تنها آنچه‌بیزی که برای مردم و نخبگان جامعه ارزش دارد، محاکمه و حکم عادلانه می باشد و نوع و شدت حکم تنها بدست قاضی پرونده می باشد که همگان قطعا باید به آن احترام بگذارند.

در این میان رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست‌جمهوری دولت یازدهم که اتفاقاً وی نیز از روحانیون اصولگرا می باشد، گفت: امیدواریم قوه قضائیه در همه پرونده‌ها با همین سرعت رسیدگی به پرونده محمدرضا رحیمی پیشگیر باشد.

حجت‌الاسلام سیدرضا اکرمی رئیس شورای فرهنگی نهاد ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو با تسنیم، با بیان اینکه قوه قضائیه در پرونده «محمدرضا رحیمی» با دقت نظر و به سرعت برخورد کرد، گفت: انتظار داریم قوه قضائیه این عملکرد معقولانه را در سایر پرونده‌هایی که این روزها در گوشه و کنار مطرح هستند داشته و با سرعت پیشگیر آن باشد.

وی در پاسخ به این سؤال که برخی از نمایندگان مجلس و گروه‌های سیاسی و آحاد مردم خواستار برخورد جدی قوه قضائیه با پرونده مهدی هاشمی همانند برخورد با پرونده رحیمی هستند و دستگاه قضایی چگونه باید به این مطالبه توجه کند؟ گفت: امیدواریم قوه قضائیه در همه پرونده‌ها با همین سرعت رسیدگی به پرونده محمدرضا رحیمی پیشگیر باشد.

حجت‌الاسلام اکرمی خاطرنشان کرد: امیدواریم پرونده رحیمی نقطه عبرتی برای متخلفین باشد تا هر کسی در هر مقامی که مرتکب خلافی شد به سزای کار خود برسد.

### هفته نامه گفتمان حق

### صاحب امتیاز : جاد دانشگاه صنعتی قم

### مدیر مسئول: علی امامی

### سر دبیر: عباس فیض آبادی

### هئیت تحریریه: علی امامی، مهدی بدیعی، عباس

### فیض آبادی

## آیا امام گفت: “ آب و برق مجانی می شود“؟!



بالین مقدمه روشن می شود که امام با این وعده ها انقلاب را به پیروزی نرسانده و توده ها را برای انقلاب اسلامی مورد نظر خود بسیج ننموده است چرا که قبلا این اتفاق(پیروزی انقلاب) افتاده است. پس مردم با وعده های آب و برق مجانی و قیام نکرده اند. اما این شبهه به جای خود باقی است که امام این وعده را برای به شور و شوق درآوردن مردم، و حمایت آنان در ادامهٔ راه، بیان فرموده باشند!

حالا بپردازیم به مستندات و اصل سخن امام راحل و توضیح آن. سوال اول این است که:

چه کسی اولین بار این وعده را به مردم داد؟

این وعده (مجانای کردن آب و برق) به هیچ عنوان در بهشت زهرا، یعنی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ از طرف امام بیان نگردیده است! از بسم الله سخنان امام تا والسلام آن چنین جمله ای وجود ندارد که عده ای ادعا می کنند چرا سخنان کامل امام در بهشت زهرا پخش نمی شود؟! (متن کیهان وقت در سایت ها موجود است از بسم الله تا والسلام) اولین بار این وعده در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۵۷ توسط سخنگوی دولت موقت، عباس امیر انتظام با قیدی قابل تأمل اعلام می گردد:” برای کم درآمدها آب و برق مجانی می گردد.“

با بررسی ها بعمل آمده مشخص می گردد که امام سه بار راجع به آب و برق مجانی سخن گفته اند:

مقطع اول این سخن نه در بهشت زهرا، که در پیام ۱۴ ماده‌ای نهم اسفند سال ۵۷، قبل از ترک تهران به مقصد قم با توجه به وضعیت حاکم بر کشور و بالا رفتن انتظارات مردم و قول و قرارهای بعضی سران و رهبران انقلاب بعد از اعلام دولت موقت، خطاب به ملت ایران می‌فرمایند:

«من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلا برای طبقات کم‌بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده‌اند و با برپایی حکومت اسلامی به امید خدا این محرومیت‌ها برطرف خواهد شد، سفارش اکید نمودم که عمل خواهد شد.» (صحیفه امام، ج۶ ص ۲۶۲)

با فاصله یک‌روزه از پیام قبلی، در بلو ورود به قم (۱۰ اسفند ۵۷) در سخنرانی مدرسه فیضیه فرمودند: «ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند اینها. دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما راه روحیات شما را عظمت می‌دهیم؛ شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم.» (صحیفه امام، ج۶ ص ۲۷۳)

مجددا روز بعد (روز جمعه ۱۱ اسفند ۵۷) در کتابخانه مدرسه فیضیه (خطاب به خبرنگار روزنامه اطلاعات) می فرمایند: «هر چه زودتر باید مشکل مسکن برای بی‌خانمان ها و فقرای ایران حل گردد و برای هر خانواده، مسکن مورد نیازشان تأمین شود، آب و برق برای فقرا و بی بضاعت‌ها باید مجانی گردد. به نظر من بیشتر انقلابیون واقعی یعنی آنها که نیروی عظیم و کوبنده این انقلاب بودند، مردم غیر مرفه بودند. کسانی که بیشترین کفشه ها را دادند و با نیروی ایسان واقعی و اعتقاد راسخ، باعث پیروزی انقلاب شدند، همان کسانی بودند که به هیچ وجه اشرافی و مرفه نبودند و از طبقه پابرهنه بودند.» (صحیفه امام، ج۶ ص ۲۹۷)

در سخنان حضرت امام (ره) دو نکتهٔ مهم به چشم می خورد. اول اینکه این وعده، وعده‌ای موقتی است اولن بار امام (ره) از کلمهٔ "فعلا" استفاده می کنند و بدین صورت، جواب یکی از سؤال ها حل می شود که می گفت توزیع رایگان انرژی به مردم، امری غیر کارشناسی است. چرا که امام چنین تفکری ندارد و ناظر به فقر و سختی فعلی وعده ای را مطرح می سازند نه یک سیاست اقتصادی دائم و البته امام در سخنرانی ۱۰ اسفند تأکید می کنند که هدف ما این مسائل نیست بلکه هدف اصلی ما از انقلاب رشد رفاه معنوی شماست و شما به این رایگان شدن برای مستضعفان دلخوش نباشید.

دوم اینکه این وعده در هر سه مرتبه برای مستندان ذکر شده است نه عموم مردم که این هم تحقق یافت. تحقق آن به این گونه بود که میزان مشخصی از مصرف تا مدت ها بعد از انقلاب رایگان بود و افزایش مصرف نسبت به آن میزان معین هزینه داشت، ضمن اینکه برای تحقق وعده های اقتصادی امام (ره) حساب صد امام– کمیتهٔ امداد امام خمینی– بنیاد مسکن– بنیاد مستضعفان– جهاد سازندگی و… راه اندازی گردید و با بضاعت خود به سرعت به سامان دادن وضعیت معیشتی، بهداشت و بی سرپناهی فقرا در سراسر کشور پرداخته شد به گونه ای که پدیده های زشت و ناراحت کننده ای در عرصهٔ کلان شهرها مانند حلبی آبادها(شهرک هایی که خانه های آن از حلب های مصرف شده و تخته چوب و نایلون ساخته می شد و فقرا با زن و بچهٔ خود در آن زندگی می کردند!) زندگی های خرابه نشینی و … از چهرهٔ شهرها زدوده شد.

البته این ها همه با در نظر گرفتن این است که دشمنان داخلی و خارجی هرگز نگذاشتند امام راحل و دولت های زمان ایشان، یک روز را با آرامش به رهبری دینی و مادی و معیشتی مردم بپردازند.

یک روز کودتای نوزه، یک روز غائلهٔ کردستان، یک روز خلق عرب، یک روز ترکمن صحرا، بار دیگر دمکرات آذربایجان، اینها با هزینه های جانی و مالی به سختی حل می شد، هشت سال جنگ ویرانگر آغاز می گردید! و البته همهٔ اینها در شرایط تحریم های سخت اقتصادی باید مدیریت می شد، عمر رهبری امام راحل به روزهای سختی گذشت که دشمن هر روز منتظر سقوط اصل این انقلاب بود اما امام امت با تمام گرفتاری های ذره ای از محرومین غافل نبود و دستگاه ها و مراکز مرتبط در حال لیبک به فرمان حمایت از مستضعفین بودند و البته باید به رهبری امام و قاطبهٔ مسئولین آفرین گفت که تا انتها آرزوی سقوط اقتصادی و پشت کردن مردم به انقلاب و نظام را به گورستان آمال و آرزوهای دشمنان این ملت فرستادند.